

نگاهی به مجموعه شعر «اشعار محمود» اثر محمود ملک‌ثابت

نظم مطلق و کلام مستعمل

| وارث گیلانی |

مناسبت‌های مختلف اشعار بسیاری سروده است؛ مثلا درباره شخصیت‌های مذهبی معاصر و امروز، جانباز، حزب‌الله لبنان، غزه و...».

البته من سعی کردم اغراق‌های دوستانه‌ای را که در مقدمه آمده است در اینجا بازتاب ندهم که معمولا این گونه از مقدمه‌ها به جای بازگویی واقعیت‌ها و حقیقت و نوع شعر شاعر، وقت خود را به تعارفات می‌گذرانند و...

در کنار شاعران نوگرایی که قالب‌های نیمایی و سپید را برای سرودن برگزیده‌اند، بسیاری از شاعران کلاسیک‌سرا هم در روزگار ما هستند که غزل، رباعی، چهارپاره، مثنوی و دوبیتی را به زبان نو و امروزی می‌سرایند. بعضی از شاعران هم راه میانه را برگزیده‌اند که به آنان شاعرانه میانه یا نئوکلاسیک می‌گویند که در هر دو قالب نو و کلاسیک شعر می‌گویند و زبانی بینابین دارند؛ بین زبان شعر دیروز و شعر امروز.

از نوع شعر شاعرانی که وصف‌شان به طور کلی بازگو شد، ما در شعر معاصر شاعرانی

هم داریم که در عین کلاسیک بودن و پیروی از شعر و زبان دیروز، شعرهای‌شان کم و بیش تازگی‌ها و ویژگی‌هایی دارد که آنان را از دیگر شاعران متمایز می‌کند، مثل بعضی شاعران مشروطه از جمله محمدتقی بهار، ایرج میرزا، فرخی‌یزدی، عارف قزوینی و علی‌اکبر دهخدا که از این دسته‌اند و بعد از مشروطه و نزدیک به زمانه و دوران ما هم پروین اعتصامی، رهی معیری، شهریار و... را می‌توان در این دسته جا داد. گذشته از این شاعران و نوع شعرشان، بودند و هستند شاعرانی که درصد تازگی و امروزی بودن‌شان در شعر حتی از شهریار هم کمتر است، با اینکه هم‌سن و سال شهریاراند و حتی کوچک‌تر اما شعرشان ظرافت‌ها و ویژگی‌ها و نکته‌گویی‌هایی دارد که آنان را تا حد زیادی مستقل از دیگر شاعران نشان می‌دهد؛ مثل عماد خراسانی، رعدی آذرخشی یا پژمان بختیاری و دیگر شاعران. ۲ تا دو بیت از ۲ غزل عماد خراسانی را برگزیدم تا تفاوت او با شاعران امروزی که همچنان وفادار به زبان شعر دیروزند مشخص شود. ۲ بیت زیر نه‌تنها در میان عام



زلزله بهم، شهید محراب آیت‌الله صدوقی، مادر، فرخی‌یزدی، امام خمینی (در سوگ)، آذری‌یزدی (در سوگ)، خلیج فارس، سردار قاسم سلیمانی و... شعر گفته است. غلامرضا محمدی نیز مقدمه‌ای در چند این دفتر او هم دارای مضامین عمومی است و هم دارای اشعار مذهبی و دینی (آیینی) درباره حضرت زهرا(س)، نماز، غدیر خم، حضرت مهدی(عج)، کربلا، امام رضاع) و... علاوه بر این، واژه‌های دینی و مذهبی در اغلب اشعار دیده می‌شود و به آنها نیز رنگی از اشعار مذهبی داده است.

اشعار دفاع مقدسی این مجموعه نیز اغلب با نام‌های کلی «کوچ یاران»، «شهیدان» و...

در کتاب آمده‌اند.

همچنین شاعر برای آیت‌الله خاتمی (در

سوگ)، دهه مبارک فجر، محمدحسین بهجتی شاعر و امام جمعه اردکان، روز تشریف‌فرمایی مقام معظم رهبری به استان یزد، حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی (در سوگ)،

دفتر شعر «اشعار محمود» از صفحه ۱۷ تا صفحه ۱۵۷ دربرگیرنده غزل‌های شاعر است و مابقی صفحات این دفتر به قالب‌های مثنوی، قطعه، رباعی و دوبیتی اختصاص دارد.

محمود ملک‌ثابت متولد ۱۳۲۱ است. شعرهای این دفتر او هم دارای مضامین عمومی است و هم دارای اشعار مذهبی و دینی (آیینی) درباره حضرت زهرا(س)، نماز، غدیر خم، حضرت مهدی(عج)، کربلا، امام رضاع) و... علاوه بر این، واژه‌های دینی و مذهبی در اغلب اشعار دیده می‌شود و به آنها نیز رنگی از اشعار مذهبی داده است.

اشعار دفاع مقدسی این مجموعه نیز اغلب با نام‌های کلی «کوچ یاران»، «شهیدان» و...

در کتاب آمده‌اند.

همچنین شاعر برای آیت‌الله خاتمی (در

سوگ)، دهه مبارک فجر، محمدحسین بهجتی شاعر و امام جمعه اردکان، روز تشریف‌فرمایی مقام معظم رهبری به استان یزد، حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی (در سوگ)،

نگاهی به مجموعه رباعی «من عاشق شعر گفتمن وقتی که...» سروده سیدروح‌الله فریدونی

توأمان فکاهه و طنز و جد

شعر گفتمن وقتی که...» را به هم ریزد و از اصالتش بیندازد؛ آنگونه که در رباعی زیر با ۷۰ درصد فکاهه سبب تخریب جدیت شعر شده است؛ اگر چه می‌توان آن را در ردیف یکی از بهترین رباعیات فکاهی قرار داد:
«زیبایی ده، صحبت از شهر نکن
این عشق به کام هر دومان زهر نکن
راضی نشو به خرابی آبادی
ای دختر کدخدا بیا قهر نکن»

رباعی زیر نیز چون رباعی بالا از اعتدال خارج شده و کم و بیش بیشتر به سمت شعری فکاهی در می‌غلطد تا شعری جدی:

«از هم ققدر سریع ما سیر شدیم
در محضر عشق هر دو تحقیر شدیم
گفتند به پای یکدگر پیر شوید
افسوس به دست یکدگر پیر شدیم»

اما در رباعی زیر آن تعادل در حفظ جدیت رباعی به واسطه استفاده بیش از حد چاشنی فکاهه (نه حتی طنز)، شعر از ماهیت جدیت خود خالی شده و در واقع بیشتر به شعری فکاهی شباهت پیدا کرده است تا یک رباعی جدی:

«در پای جنازه‌ام چه غوغا شده است
این مرگ برای‌شان معما شده است
با مردن من پزشک قانونی دید
اعضای وجودم به تو اهدا شده است»

در رباعی زیر نیز شاعر همچون رباعی بالا از ریل و جاده اعتدال خارج شده است و رباعی‌اش وجاهت و عمق طنز را ندارد و لاجرم به دامان فکاهی افتاده است؛ اگر چه یک فکاهی شیرین. شاعر حتی از یکی از مصراع‌های مشهوری که پروین اعتصامی در شعری برای سنگ قبر خود نوشته است، بهره طنزآلود کرده است، یعنی آن مصراع جدی پروین در کنار بیت دوم رباعی زیر دچار چنین بلایابی شده است:

«آن لحظه که خاک سیهام بالین است
یک حرف نگفته در دلم سنگین است
ای مورچه کاش زهر مارت بشود
این تن که پر از آرزوی شیرین است»

اما دلیل اصلی این دامگه که شاعر برای خود تئیده و ساخته، استفاده نکردن طنز به جای فکاهه است که با بهره‌مندی از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها همراه است و بار طنزسازی و کنایای بالایی دارد که می‌تواند در جایی و سخنی طنزآلود جلوه کند. طبعاً این طنز و قابلیت آن را به سطح فکاهه نکشیدن و طنز نهفته‌اش را آشکار کردن، یا از آنها در سخنان جدی بهره بردن، ظرافت و قابلیت بالایی می‌خواهد که رباعی‌های فریدونی اگر چه خالی از آن نیستند اما رباعیات این دفتر درصد قابل قبولی از طنز را به خود اختصاص نمی‌دهند و بیشتر در بند و در فضای فکاهه سیر می‌کنند. به مصراع‌های آخر چند رباعی از دفتر «من عاشق شعر گفتمن وقتی که...» بنگرید؛ این اصطلاحات و تکه‌کلام‌های عام و ضرب‌المثل‌ها را خواهید دید:
«بیا قهر نکن»، «به پای هم پیر شدن»، «پیه همه چیز را به تن مالیدن»، «دیر آماده شدن»، «ادا درآوردن»، «دو قرت و نیمش باقی بودن» و... گاهی طنز و فکاهه در دفتر رباعیات «من عاشق شعر گفتمن وقتی که...» به این دلیل جواب نمی‌دهد که نوع مضمون و تصاویر و تخیل بیشتر به درد شعرهای جدی می‌خورد، نه شعرهای طنز و فکاهه.

چون در مقابل و در تضاد با ۳ مصراع جدی پیش از خود قرار گرفته است. همچنین عینی‌تر شده است، چرا که شاعر از «دهقان فداکار» مشهور در شعرش بهره برده و از این پشتوانه استفاده کرده است. مصراع‌ی طنزگونه که ۳ مصراع دیگر را نیز در معیت خود آورده است.

این طنز نه تنها در رباعیات عشقی بلکه در رباعیات دیگر این دفتر که مضامین دیگری دارند دیده می‌شود؛ مثلا در رباعی زیر که درباره بهار است:

«هر چند که به آمدنش خوش‌بین است
سر تا قدمش نسترن و نسرین است
نو کردن سال بی‌تو ای جان بهار
بیهوده‌ترین تلاش فرودین است»
تنها مشکلی که شعر را مابین طنز و جد می‌تواند تخریب کند و از مزه و تعادل بیندازد، همانا درغلطیدن شاعر در مصراع‌های آخر رباعیاتش به دامان فکاهه است که اگر خوب دقت کنید، در ۳ رباعی بالا نیز اندکی از این درغلطیدن قابل مشاهده و ردیابی است، چرا که مزه این طنز در رباعی جدی باید در حد مزه و چاشنی باشد؛ چنان که این طنز در مصراع آخر رباعی زیر آنقدر نامحسوس و ملجح است که می‌توان آن را نوعی از اعتدال در این حال دانست که می‌تواند به انواع دیگری از این تناسب و اعتدال خود را بیاراید:

«تا چهره توست در دو چشمم جاری
تازه‌ست هر آنچه دیدهام تکراری
در باور من معنی کابوس فقط

روی تو ندیدن است در بیداری»
این هم نوع دیگری از آن ملاحظت و اعتدال که شرحش در بالا رفت؛ اگر چه هم طنز رباعی زیر نسبت به رباعی بالا کمی غلیظتر است و هم این طنز برخلاف اغلب رباعیات این دفتر، تقریباً به طور محسوس و نامحسوس در هر ۴ مصراع رباعی زیر جاری است؛ یعنی «عینیت هر چه انتزاعی بودن» و «عاشق شعر گفتن شاعر به واسطه ضربه آخر رباعی بودن یار» و...:

«عینیت هر چه انتزاعی هستی
بر خلقت واژه‌ها تداعی هستی
من عاشق شعر گفتمن وقتی که
تو ضربه آخر رباعی هستی»

گفتیم که مزه طنز در رباعی جدی باید در حد مزه و چاشنی باشد که افراط در این مزه‌پرآکنی و افزودن چاشنی بیشتر یا اینکه استفاده نابجا از این چاشنی می‌تواند رباعیات دفتر «من عاشق



چهارشنبه ۹ خرداد ۱۴۰۳

وطن‌امروز | شماره ۴۰۵۰

[شعر و ادب]

که پیش‌تر آمد، از پشت جلد کتاب محمود ملک‌ثابت است و نمونه دوم از نخستین شعر کتاب و سومین شعر نمونه هم که در زیر می‌آید، از شعر دوم کتاب است و این یعنی اینکه شعرها مجموعه شعر «اشعار محمود» کم‌وبیش در همین حد و اندازه‌اند و فرقی نمی‌کند از کجای کتابش چه شعری را انتخاب کنیم.

بزرگ‌ترین اشکالی که بر مجموعه شعر «اشعار محمود» می‌توان وارد کرد، این است که بار معنایی ابیاتش روی دوش لفظ و لحن زبانش سنگینی می‌کند؛ در صورتی که توازن و تعادل و هارمونی در شعر سبب زیبایی و ظرافت و نازک‌اندیشی و موجب بلاغت و فصاحت و شیوایی کلام می‌شود. یعنی محتوا از این راه زلال می‌شود، زیرا مخاطب با شعر روبه‌رو است، نه کلامی اجتماعی و حکمی و فلسفی یا با نصیاحی خشک و بی‌روح که حتی گاه ملموس هم نیست و تعبیرش وامدار شعر شاعران دیروز؛ تعبیری چون «درون خلوت دل»، «هر سو در آینه او را دیدن»، «دیده پرخون»، «با اشک وضو گرفتن»، «خیال رخ» و... در کنار این بعضی ابیات مجموعه شعر «اشعار محمود» دچار ضعف تالیفند، چنان که در بیت پنجم اثر زیر:

«امشب درون خلوت دل جست‌وجو کنم
بینم تو را در آینه، هر سو که رو کنم
امشب دوباره دیدم من پر ز خون شود
اشکی ز دیده ریزم و با آن وضو کنم
امشب نه قیله‌ای و نه محراب و مسجدی
تنها نماز بر در آن نیک‌رو کنم
امشب خموش نیستم آتش گرفته‌ام
در خاقانه عشق تو من های و هو کنم
امشب حدیث جوو رقیبان نگویمت
بار دگر شکایت ظلم عود کنم
امشب دگر ز میکده یادی نمی‌کنم
تا صبح در کنار تو می در سبو کنم
امشب که با خیال داهای از درگهت مران
بگذر با خیال رخت گفت‌وگو کنم
امشب حقیقت دل «ثابت» نیاز باد
حاشا که غیر کوی تو را آرزو کنم.»

مجموعه شعر «اشعار محمود» از محمود ملک‌ثابت را نشر سوره مهر به سال ۱۴۰۰ و در ۲۰۴ صفحه در تیراژ ۱۲۵۰ نسخه چاپ و منتشر کرده است.

از این رو، شاعر در یک وضعیت نامتعادل وقتی خود را به دام فکاهه می‌اندازد یا اینکه سعی دارد از آن شعری طنزگونه ارائه دهد (در هر صورت)، این نامتعادلی و بی‌تناسبی، حتی شعرش را دچار ضعف زبانی کرده، به بیانش سستی و کاستی می‌دهد؛ در صورتی که شاعر از کلمات «زندانی» و «مهاکمه» و «شلوار» و «کت» و «کمد» و «اعلام» و از ارتباطی که اینها می‌توانستند به خود بگیرند، می‌توانست در ایجاد تصویرهای تازه و تخیلی ناگفته و حتی شکلی مدرن در رباعی استفاده کند، نه اینکه اینگونه با حرفی کال در زبانی ناپخته ارائه‌اش دهد:

«بارفتن تو محاکمه برپا شد
زندانی غم شدم چه تنها در خود
شلوار و کت و بلوز و ژاکت انگار
چندین من اعدام شده توی کمد»

با این همه، همان‌گونه که در اوایل این نوشته گفتم و برایش مثال آوردم، در مجموعه رباعی «من عاشق شعر گفتمن وقتی که...» فریدونی اشعاری که جدیتش با طنزش در تعارض نباشد و در تعادل و تناسب باشد (چون این دفتر با نام طنز ارائه نشده است) یافت می‌شود که یکی از بهترین و شاخص‌ترینش رباعی زیر است:

«هاند غربیه‌ای‌ست در شهر خودش
از خویش جدا شده‌ست با قهر خودش
القصه؛ حکایت من و عاشقی‌ام
ماری‌ست که مرده است با زهر خودش»
علاوه بر این، رباعی‌های کاملاً جدی نیز در این دفتر، خاصه در اوایل و اواخر آن نیز دیده می‌شود که از جمله رباعیات برتر این دفتر هستند؛ چه در آن رباعیاتی که شاعر برای شهدا گفته است که رباعی شهید گمنامش در زیر می‌آید:

«در وقت شهادت چه آرام شدی
انگار سرناجم و سراغ‌از شدی
یکباره شناسنامه‌مان پیدا شد
آن لحظه که تو شهید گنم‌ام شدی»
و چه در دیگر رباعیات جدی این دفتر که یکی از رباعیات شاخص رباعی زیر است که مقطع مناسبی برای این نوشته نیز خواهد بود:
«نگار که از گوشه چشمش خون ریخت
از حنجره‌اش ترانه‌ای مجزون ریخت
با ضرب گلوله‌ای که صیاد ناوخت
از قلب پرند آسمان بیرون ریخت.»

مجموعه رباعی «من عاشق شعر گفتمن وقتی که...» را انتشارات سوره مهر در ۵۵ صفحه چاپ و منتشر کرده است.

